

گزارش «سلامت» از سخنرانی **دکتر میر طاهر موسوی** در نشست «انسان‌شناسی و فرهنگ» درباره سرمایه اجتماعی

# آنچه باید درباره سرمایه اجتماعی بدانید

**مرجان نیشابانی**  
جامعه‌شناسی مردم‌شناسی زمان کوتاهی است که در جهان راه خود

راه برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی باز کرده است. در این میان سهم کشور ما از بررسی آرای جامعه‌شناسان برای برنامه‌ریزی‌های کشوری و شهری ناچیز است. در ادامه سرمایه اجتماعی از دید نابرابری بررسی می‌شود. سرمایه اجتماعی شبکه بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه‌شده است با شناخت، تعهدات و اعتماد متقابل است. در دستگاه سرمایه اجتماعی، اعتماد همواره جایگاه خاصی دارد. از نظر برخی اندیشمندان علوم اجتماعی، اعتماد آنگذر مهم است که سرمایه اجتماعی را معادل اعتماد اجتماعی می‌دانند. هر چند قبل و بعد از انقلاب تلاش‌هایی برای تعدیل نابرابری در ایران انجام شده کم بودن سرعت این اقدامات مثبت، نسبت به گسترش نابرابری باعث شده فرایند تولید نابرابری در ایران بسیار بیشتر از کارهای انجام‌شده پیش برود. گذشته از آن، تولید نابرابری در ایران ساختاری است که به آن هم خواهیم پرداخت.

مطالبی که در این مجال می‌آید، بر مبنای ۲ تحقیق است؛ اولین سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، پژوهش ملی‌ای بود که برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۸۵ انجام شد و دکتر محمد عبدالمهدی و استاد پرویز پیران و من دستیار این استادان در این پژوهش بودیم. دومین سنجش در سال ۱۳۹۳ توسط دکتر غلامرضا غفاری و همکارانشان انجام شد. ابزاری که سال ۸۵ برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده شده، با ابزار سال ۹۳ کاملاً متفاوت هستند. به همین دلیل یافته‌ها در بسیاری موارد با هم قابل مقایسه نیست که این هم خود مشکلی است. گزارش سالانه موسسه بین‌المللی لگاتوم که سطح رفاه در ۱۴۲ کشور جهان را به‌طور سالانه از سال ۲۰۱۰ میلادی بررسی می‌کند، در نوشتن مطلب پیش رو مورد توجه واقع شده است.

## سرمایه اجتماعی از کجا به کجا رسیده است؟

سرمایه اجتماعی بیش از ۱۰۰ سال است که در دنیا مورد توجه واقع شده و دوره اساسی راطی کرده است. ما در ایران ابتدای راه سنجش و به کار بستن این مفهوم در سیاست‌گذاری‌های خود هستیم. امروز دنیا به این نتیجه رسیده سرمایه اجتماعی می‌تواند از ابزار توسعه اجتماعی و ملی کشور باشد. برای اولین بار در قانون چهارم توسعه، دولت موظف شد سرمایه اجتماعی ایران را سالانه بسنجد و روند پیشرفت یا عدم پیشرفت یا محدودیت‌های موجود در این حوزه را گزارش دهد که می‌توان آن را گام بلند برنامه چهارم دانست. این کار برای اولین بار انجام می‌شد و قرار بود ۵ سال پیاپی ادامه پیدا کند. مشکل در آن زمان علاوه بر تعریف ابزارهای اندازه‌گیری، این بود که بین فهم سرمایه اجتماعی و راه‌های اندازه‌گیری آن شکاف عمیقی وجود داشت که این شکاف تا امروز هم وجود دارد. سرمایه اجتماعی با مفهومی سنگین و انتزاعی و تاحدودی مبهم، پیچیدگی‌های خود را دارد.

پس از فهم سرمایه اجتماعی در تحقیق اول، زمینه کردن و تبدیل به ابزار کردن آن در جامعه ایران، اولین گام بود. برای درک بهتر باید بگویم، ما ۵ هزار پرسشنامه درباره سرمایه اجتماعی در سطح جهان و ایران جمع‌آوری و مرور کردیم و به یک پرسشنامه ۵۰۰ سؤالی رسیدیم. چند کارگاه برگزار کردیم تا توانستیم پرسشنامه‌های را بعد از چند بار امتحان نهایی کنیم. مرحوم دکتر عبدالمهدی با سختگیری و دقت بر آماده شدن ابزار پرسشنامه‌ها نظارت کردند. در سال دوم تا پنجم طرح، دولت وقت اجرای آن را ممنوع کرد و این سنجش دیگر انجام نشد. در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۹۰ قرار بود سرمایه اجتماعی ۵ سال سنجیده شود که بنا بر تصمیم دولت وقت، یک سال سنجیده شد. تا سال ۹۳ بعد از گشایشی در جامعه، دوباره سنجیده شد که روش‌شناسی ابزارهای متفاوت سرمایه اجتماعی این بار با وقتی یک موضوع ۲ بار با ابزارهایی متفاوت سنجیده شود، نمی‌توان روندی در آن موضع تعیین کرد، به‌خصوص اینکه ابزار دوم بیشتر معطوف به آسیب‌ها می‌شد، در حالی که ابزار اول به‌طور خالص برای سنجش خود سرمایه اجتماعی طراحی شده بود.

بنابراین نمی‌توان در ایران شیب خاصی (افزایش) کاهش یا فرسایش) را به‌عنوان مثال برای ۱۰ سال گذشته مشخص کرد و به همین

دلیل نمی‌توان فضای روشنی در این زمینه برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تعریف کرد و در فضایی تاریک حرکت می‌کنیم. البته از ابزار اولی استفاده‌ای محدود شد و چند سنجش انجام گرفت؛ یک بار بین جوانان و یک بار در کلانشهر تهران و تعدادی پایان‌نامه هم با استفاده از آن هدایت شد. جالب است بدانید نتایج سنجش جوانان ایران و شهر تهران و ایران با استفاده از این ابزار، تا حدود ۹۹ درصد مشابه درآمد؛ یعنی نتایج سال ۸۵ سال ۸۶ و آخر سال ۸۷ در ۳ حوزه مختلف تقریباً مشابه شدند. در سال ۹۳ هم که ابزار تغییر کرد، در بخش‌های قابل‌تأملی نتایج مشابه مشاهده شدند. در مولفه‌یابی برای سرمایه اجتماعی هرکسی سعی کرده دستگاهی را تعریف کند. در سال ۸۵ نیز ما توانستیم به دستگاهی برسیم.

## دوره‌های مختلف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی ۴ دوره در تاریخ خود ثبت کرده است؛ اول، دوره متقدمان است که

تعریف کرد تا بتوان گسیختگی‌ها را با استفاده از سرمایه اجتماعی کاهش داد. دوره سوم سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز می‌شود که بیشترین ادبیات و کارها در این حوزه تدوین شده و دوره چهارم که از ابتدای هزاره سوم تا امروز ادامه داشته، دوره کاملاً جدیدی است که به دلیل تولید انبوه مطالب مفهومی و نظری، به پردازش‌های مفهومی کمتر پرداخته می‌شود. البته تولید مطالب مفهومی و نظری متوقف نشده، اما تمرکز امروزه بر برنامه‌ریزی کاربری سرمایه اجتماعی در حل مشکلات جامعه شده

جامعه‌شناسان دوره‌های اول به سرمایه اجتماعی در قالب مضمونی و غیرمستقیم و ضمنی اشاره کرده‌اند که وارد جزئیات آن نمی‌شویم. نام‌های آشنایی در این دوره ورود کرده‌اند، مانند دورکیم، اسپنسر و مارکس و سایرین، حتی این خلدون تحت عنوان دیگری به موضوع سرمایه اجتماعی یا بخش‌هایی از آن پرداخته است. دوره بعدی، سرمایه اجتماعی به‌صورت غیرضمنی مطرح شد. این دوره، از سال ۱۹۱۶ میلادی تا جنگ جهانی دوم، دوره رشد نسبی مفهوم سرمایه اجتماعی است. بعد از جنگ جهانی دوم، با انفجار آسیب‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی دچار نوعی شکوفایی و باز مطرح شدن بسیار وسیع می‌شود. جامعه‌شناسان مورد این سوال قرار گرفتند که ریشه و دلیل این آسیب‌های اجتماعی چیست؟ خصوصاً جامعه‌شناسی مکتب لیبرالی پاسخ را در سرمایه اجتماعی

## پنج بعدی که برای سنجش سرمایه اجتماعی به کار رفته است

پیش از این گفتم برای سنجش سرمایه اجتماعی در ایران دستگاهی تدوین کردیم که شامل ۵ بعد است؛ روابط انجمنی، اعتماد فردی، اعتماد نهادی، همبستگی و انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی. جمع‌بندی ۵ بعدی که برای سنجش سرمایه اجتماعی در گزارش ما آمده و اجزای ذیل آن شامل حدود ۲۰ جزء است می‌تواند وضعیت سرمایه اجتماعی را در ایران گزارش کند. این گزارش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی سال ۸۵ در مجموع در کشور ما در وضعیت پایین و زیر متوسط قرار دارد. براساس این گزارش، ضعیف‌ترین بعد سرمایه اجتماعی در ایران مشارکت انجمنی و بهترین وضعیت آن حمایت اجتماعی است. در مشارکت انجمنی ابتدا سوال می‌شود به نظر شما برپا کردن یک نهاد غیردولتی (سمن) خوب است یا نه؟ اغلب پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی به آن داشته‌اند. در قدم بعدی می‌پرسیم شما هم حاضر به مشارکت در این فکر هستید؟ در اینجا برخی پاسخ‌دهندگان پا پس می‌کشند. بعد می‌پرسیم علاوه بر فکر، حاضر به همکاری هم هستید؟ در این مرحله مشارکت ضعیف‌تر می‌شود و وقتی پرسیده می‌شود علاوه بر همکاری حاضر به دادن کمک مالی هم هستید؟ مشارکت نسبت به مراحل قبلی ضعیف‌تر خواهد شد. در مرحله بعدی که درباره عضویت افراد سوال می‌شود، مشارکت باز هم ضعیف‌تر می‌شود. به این ترتیب، ضعیف‌ترین بعد پاسخ‌ها درباره سرمایه اجتماعی در بعد مشارکت‌های انجمنی، نهادی و قاعده‌مند مشاهده می‌شود. مشارکت‌ها بیشتر لحظه‌ای، توده‌وار، انفجاری و مقطعی و بدون پیگیری و استمرار است.

بهترین وضعیت در این گزارش را در حمایت اجتماعی شاهدیم که ۶۴ درصد پاسخ‌دهندگان عقیده داشتند برخوردار از حمایت جمعی هستند که البته بررسی اجزای این بعد نشان می‌دهد این حمایت اجتماعی نیز نهادمند نیست و بیشتر حمایت‌های اجتماعی خانوادگی، فامیلی، قومی و چهره‌به‌چهره و بیشتر از نوع سنتی است. مجموعه بررسی‌های ۲ گزارش نشان می‌دهد، سرمایه اجتماعی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ به سوی متوسط میل کرده که قابل‌تأمل است و نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در ایران به‌صورتی بنیادین شکل نگرفته. با یک انتخابات یا وقوع زلزله ناگهان بالا می‌رود و بعد از مدتی دوباره فروکش می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران وضعیتی سیال دارد. بررسی‌های استانی نشان می‌دهد مناطق کمتر توسعه‌یافته مانند زاهدان حرف اول را در سرمایه اجتماعی می‌زنند. برعکس مناطق توسعه‌یافته‌تر مانند تهران، اصفهان،

دارند. به‌طور کلی نمی‌توان مشخصاً تعریف کرد فقدان سرمایه اجتماعی سبب نابرابری می‌شود یا برعکس نابرابری سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. ما جامعه‌شناسان معتقدیم سرمایه اجتماعی از طریق اعتمادی که در جامعه ایجاد می‌کند، رشد اقتصادی به وجود می‌آورد. دلیل اینکه گفتیم سرمایه اجتماعی در هزاره سوم وارد برنامه‌ریزی‌های ریز اجتماعی شده این است که از طریق افزایش اعتماد در بازار نقش تسهیل‌گری دارد و کاهش خطر و گردش و چرخش درست اطلاعات را به دنبال می‌آورد. افزایش سرمایه اجتماعی در جریان مبادلات اقتصادی رقابت را قاعده‌مند می‌کند و از شکل‌گیری روندها و افراد ناسالم، رانت‌خواری، اختلاس و رشوه‌گیری پیشگیری می‌کند و فقر را کاهش می‌دهد. مجموعه آنچه گفتیم می‌تواند بازوی کمک برای رشد اقتصادی باشد.

نابرابری اجتماعی امر ذاتی همه جوامع و سازمان‌های اجتماعی شناخته‌شده جهان است. رفع کامل نابرابری در جهان، بیشتر شبیه مدینه فاضله است. با آغاز تولید غذا و پیدایش مالکیت و خانواده، نظام سلسله‌مراتبی و حکومت، نابرابری همواره جزء جدایی‌ناپذیر جوامع انسانی بوده است. یکجانشینی انسان‌ها و انباشت دارایی توزیع نامتعادل منابع حیاتی را به دنبال داشته و نابرابری در جوامع در واقع خود را تحمیل کرده است. آرمان‌های برابری اغلب نفی شده‌اند تا اثباتی، یعنی این آرمان‌ها همواره خود را از طریق نفی جلوه‌های نابرابری اثبات و تعریف کرده‌اند.

ما برابری را بیشتر در مقایسه با نابرابری شناسایی می‌کنیم. در طول عمر بشر، هر جا سازمان اجتماعی زندگی انسان‌ها سامان می‌داده، نابرابری نیز ناگزیر وجود داشته است. در ایران، گرچه شاهد بهبود نسبی برخی نماگرها و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی هستیم، به دلیل نابرابری‌های ساختاری درون جامعه، این شاخص‌های بهبود به محض مجاورت با گرمای نابرابری ساختاری در جامعه ایران، مانند برفی ذوب می‌شوند. نوسانات شدید سرمایه و اعتماد اجتماعی از یک سو و نوسانات و کمبودها در حوزه عدالت و انصاف و آزادی از سوی دیگر تشدیدکننده و تقویت‌کننده وضعیت نابرابری است.

۷ حوزه اصلی را می‌توان در زمینه نابرابری نام برد؛ نابرابری‌های فضایی و قومی و درآمدی، نابرابری در عرصه و سرزمین، شهر و روستا و نابرابری در رفاه و سرمایه، نابرابری‌های آموزشی و نابرابری در توسعه منطقه‌ای، ۷ حوزه اصلی نابرابری در گزارشی است که قرار است چاپ شود. در زمینه‌های اصلی نابرابری در ایران، تحت عنوان «گزارش وضعیت اجتماعی ایران. گزارش دوم» از سوی موسسه رحمان کار مفصلی انجام شده. این گزارش درباره وضعیت اجتماعی ایران بین سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، در بیش از ۱۰۰۰ صفحه آماده شده که امیدواریم تا ماه آینده به‌صورت کتاب با موضوع نابرابری منتشر شود. طبیعی است نابرابری‌های اجتماعی بیش از هر چیز منجر به واگرایی می‌شود و این واگرایی در نتیجه تشدید نابرابری‌ها افزایش پیدا می‌کند و به عبارتی باعث افول سرمایه اجتماعی و تشدید بیش از پیش نابرابری‌ها می‌شود.

دکتر راهفر در سال ۹۱، به‌اندازه‌گیری نابرابری درآمدی در ایران از سال ۶۳ تا ۸۹ در دوره‌ای ۲۶ ساله پرداخته است. نتیجه کار دکتر راهفر نشان می‌دهد شاخص‌های نابرابری طی یک روند ۲۶ ساله، تقریباً پایدار مانده که به یک معنا نشان‌دهنده انعطاف‌ناپذیری یا فقدان برنامه مؤثر نظام اجتماعی برای کاهش نابرابری است. با تایید نظر دکتر راهفر اگر بخواهیم مجموعه نابرابری‌های اقتصادی را با نگاهی دقیق ببینیم، به نظر می‌رسد روند نابرابری نه‌چندان پایدار، بلکه رو به افزایش بوده است. ضریب جینی که نشان‌دهنده نابرابری است، حاکی از آن است که نابرابری در روستاها بیشتر از شهرها بوده. نابرابری در پس زمینه هدفمندی یارانه‌ها توری عمل کرد که وقتی یارانه‌ها وارد صحنه زندگی خانواده‌ها شد، در طول ۱/۵ سال اول در جامعه اثر مثبت و موقت بر کاهش نابرابری داشت و بعد از این دوره با تشدید نابرابری اثری معکوس گذاشت.

براساس گزارش وضعیت اجتماعی، تشدید نابرابری بعد از توزیع یارانه‌ها در ۴ دهک پایینی جامعه، بیش از بقیه طبقات خود را نشان داد و تا آستانه طبقه متوسط پیش رفت. ■

**هم چسب، هم روغن!**  
سرمایه اجتماعی هم مثل روغن است و هم مثل چسب. روغن به علت اینکه تسهیل‌گر کنش‌های اجتماعی است و چسب به این دلیل که می‌تواند کنش‌های اجتماعی را به هم نزدیک کند و سبب هم‌افزایی آنها شود. اعتقاد ما جامعه‌شناسان این است که سرمایه اجتماعی نسبت به سایر سرمایه‌ها دارای شرافتی برتر و نوعی ارجحیت به سایر سرمایه‌ها مانند سرمایه‌های فیزیکی، مادی و انسانی است. برتری سرمایه اجتماعی را به این دلیل می‌دانند که ماده اصلی است که در فرایند

تبدیل سرمایه‌هایی که گفته شد، ایفا نقش می‌کند. این نقش از طریق اعتمادسازی و کنش‌ها و ارتباطاتی است که در بستر سرمایه اجتماعی آسان‌تر می‌شوند و آن چسب را ایجاد می‌کند. از طرفی، سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اجتماعی منجر به گسترش اعتماد جمعی، بسط نظم، کاهش واگرایی‌ها، افزایش مشارکت و همبستگی و لاجرم تقلیل نابرابری‌ها و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. نابرابری و سرمایه‌های تفکیک‌پذیر نیستند و رابطه‌ای دوسویه

تبریز و مشهد سرمایه اجتماعی کمتری دارند.

## نقش مسوولان

هنگام پرسش درباره رفع مشکل نابرابری توسط مسوولان، خصلت سیالیت سرمایه اجتماعی بیش از هر جای دیگر خود را نشان می‌دهد و آشکار می‌کند عملکرد مسوولان در زمینه رفع تبعیض مورد رضایت مردم نیست. بررسی‌ها حاکی از آن است که هر چند جامعه در حال تغییر است، این تغییرات روند منظمی طی نمی‌کند. مجموعه پاسخ‌ها مبین عدم اطمینان جامعه از آینده خود و عاملی نگران‌کننده است. در سال ۱۳۸۵ تقریباً نیمی از شهروندان به ایجاد وضعیتی بهتر امید داشتند اما این میزان در سال ۱۳۹۳ در ۴۴ درصد می‌رسد. این ناکاتی است که برنامه‌ریزان اجتماعی باید به آن توجه کنند. بررسی رضایت از شغل هم که از پایه‌های زندگی خوب است، نشان می‌دهد این شاخص طی سال‌های بررسی سقوط کرده است. نکته قابل‌تأمل در این گزارش این است که سرمایه اجتماعی بین جوانان و نوجوانان ما در پایین‌ترین وضعیت و در سنین میان‌سالی در بهترین وضعیت خود قرار داشته است.

## چرا و به چه علت؟

به نظر تیم بررسی‌کننده، سرمایه اجتماعی در ایران تحت تأثیر ۵ عامل پایین مانده است؛ قرار گرفتن جامعه ایران در وضعیت گذار و طولانی شدن آن تا حدود ۱۵۰ سال، استبداد تاریخی که نزدیک به ۳ هزار سال گرفتار آن بوده‌ایم، ناپایداری‌های سیاسی و اجتماعی و سیال بودن وضعیت جامعه در طول تاریخ و آن‌گونه که دکتر کاتوزیان، استاد حقوق، می‌گوید جامعه کوتاه‌مدت. مورد دیگر، حاشیه‌نشینی جغرافیایی، اجتماعی و اسکان‌ناپختگی است، آنومیک (ناهنجار) بودن جامعه ایرانی که به اعتقاد مرحوم دکتر عبدالمهدی ایران دچار هر ۴ نوع آنومی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است و این نظریه در بسیاری از محافل تایید می‌شود. امروزه مطرح است که در فقدان سرمایه اجتماعی مناسب، چه گزینه‌ای توانسته جایگزین آن شود که به نظر ما مذهب در طول تاریخ با وجود همه افت و خیزها توانسته جای خالی سرمایه اجتماعی را پر کند و قوام اجتماعی را حفظ کند. به همین دلیل کاربرد نادرست از مذهب یا سوءاستفاده از آن همین امکان جبران کمبود سرمایه اجتماعی را هم از ما سلب می‌کند. ■

